



Shaaere .ir

«سپیدا غزل»

او غزل می خواهد و من هم سپیدی دلنشین

قافیه می چینم و او هم رها از قاف و سین

تا برایش دلبری ها می کنم در هر هجا

می برد با واژه هایی از سرم معیار دین

در شبانگاهی که از دیوان لبالب می شود

میزند آرایه ای در شور دل با واج شین

هر غزل رونق شود در محفل مهتابی و

شعر نیمایی شود مسند نشینی در زمین

بیت من با بندی از پردازش تصویر عشق

می نوازد در دلم صورتگری از ملک چین

او پر از ایماز و ایجاز است و عصیان می کند

من پر از حظی که می چیند ردیفی را چنین

با زبان خود به ابرازش سرودم عشق را

او مرا پرواز داده در سپیدی جانشین

ستاره فرخ نژاد

۱